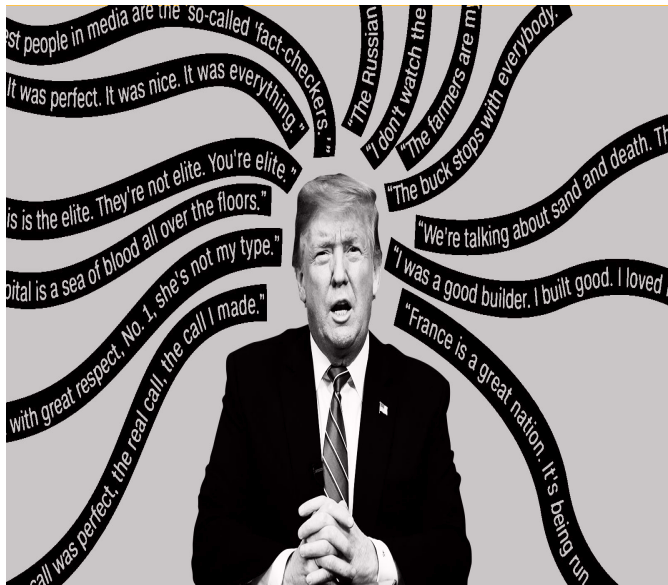


## توهم و خیال سیاسی سیاست های ترامپ خواب زده آلوده سازی ناخودآگاه آمریکایی ها توسط ترامپ

دوران ریاست جمهوری ترامپ، همیشه خیالی و وهمی بوده است، حتی پیش از آنکه ناکارآمدی او در مقابله با بیماری همه گیر کرونا مشخص شود. کراوفورد برای ۲۵ سال، یک مددکار اجتماعی بالینی و یک روان پزشک در نیویورک بود. ابتدا در سال ۲۰۱۶، مددجویان وی گزارش هایی را در مورد رؤیاهای خود پیرامون ترامپ، ارائه کردند که برای رئیس جمهورها چندان معمول نبود. کراوفورد می گوید: «او در ذهن افراد، یک شخصیت سترگ داشت.» کراوفورد فهمید که آمریکایی ها در رؤیای خود، ترامپ را درک می کنند. او می گوید: «در سال پس از انتخابات، من به دلیل سرطان، در حال شیمی درمانی بودم و نمی توانستم کار زیادی انجام دهم. من نمی توانستم برای اعتراضات، به خیابان ها بروم. من نمی توانستم کارهای داوطلبانه انجام دهم؛ اما باید کاری می کردم.» او از «قلمروی

مارتا کراوفورد اولین بار در سال ۲۰۱۵، خواب ترامپ را دید؛ در این رؤیا، یکی از دوستانش که به خاطر کار به بیرون از شهر می رفت، از او خواست که مراقب خانه وی باشد. آدرس در طبقه فوقانی ساختمان شش طبقه بود که در آن، روی مبلی که با نور یک تلویزیون بزرگ روشن می شد، او دونالد ترامپ را دید با پوشش بزرگی که به پا داشت، سرش را روی سینه گذاشته و خوابیده است. او برای مدتی ترامپ را در حال خواب مشاهده کرد و سپس، ظرف فلزی سگ را از غلات پر کرد و روی میز گذاشت. ترامپ وقتی بیدار شد، با دهان بزرگش شروع به بلعیدن غذا کرد. کراوفورد احساس انزجار و تحرم کرد. او در نهایت، برایش یک تلفن همراه تاشو خرید که تنها در موارد اضطراری استفاده می شد. این، اولین چیزی بود که ترامپ، رؤیای آن را در سرداشت.

استفن مارچ، نویسنده کتاب «رختخواب مرتب نشده: حقیقت آشفته درباره زنان و مردان در قرن ۲۱»، در ۲۹ مارس سال ۲۰۲۰، مطلبی با عنوان «آمریکایی ها تنها در خواب و رؤیا ترامپ را درک می کنند»، در مجله «نیویورکر» به چاپ رسانده و بر این باور است که سیاست های آمریکا در دوران ریاست جمهوری ترامپ، از منطق خواب و رؤیا پیروی می کردند؛ منطقی که سرتاسر آن، توهم و خیال بوده و به صورت ناخودآگاه، مردم این کشور را آلوده نموده بود. به عقیده مارچ، ترامپ هم در خواب ها از قانون پیروی نمی کرد و کسانی که در خواب، از ترامپ پیروی یا حمایت می کردند، افراد استرسی بوده اند. در واقع، همان طور که «مارتا کراوفورد» اعلام کرد، رؤیاهای مردم آمریکا نشان می دهد که آن ها در یک «جنگ داخلی»، به سر می برد.



سوم رؤیاهای اثرشارلوت برادت، الهام گرفت که ۱۰ دامنه‌ای از رؤیاهای توصیف شده مربوط به مردان و زنان آلمانی بود که بین زمانی که هیتلر در ۱۹۳۳ به صدراعظمی آلمان رسید و زمان جنگ جهانی دوم، گردآوری شده بود. پس از انتخاب ترامپ، کراوفورد یک وبلاگ را راه‌اندازی کرد که در آن، مردم می‌توانستند به شکل گمنام رؤیاهای خود را تعریف کنند. سپس او رؤیاهای خود را از رسانه‌های اجتماعی گردآوری کرد که تعداد آن‌ها، به ۳۰۰۰ رسید.

در یکی از موارد، ترامپ اعتبار خود را از پایان دادن به جنگ Boer، دریافت کرده بود. رؤیای دیگری وجود داشت که در آن، ترامپ شعار روی اسکناس‌ها را به «هرکسی می‌تواند رؤیایی داشته باشد»، تغییر داده بود. موارد دیگری از ناکارآمدی نیز وجود داشتند و مواردی از خاتمه ریاست جمهوری ترامپ. یک سری خواب‌ها در مورد موهای ترامپ بود؛ اسبی در یک مسابقه اسب‌سواری، کلاه‌گیس ترامپ را از سر او جدا کرده و به ریاست جمهوری وی، با حقارت پایان داده بود. شخصی ترامپ را در خواب، در حال خود ارضایی دیده بود؛ شخص دیگری او را در حال پوشیدن لباسی با شعار «نه به خود ارضایی» دیده بود. معمولاً رؤیاهای مربوط به ترامپ، با نوعی دلسوزی همراه بودند؛ «خواب دیدم دونالد ترامپ به تنهایی در یک زمین

بازی نشسته است، زیرا هیچ‌کس نمی‌خواهد با او بازی کند. من یک لیوان چای به او تعارف کردم». خواب‌های زیادی در مورد غذا دیده شده بودند؛ ترامپ در مک دونالد یا خواب‌هایی که در آن‌ها، ترامپ خوردن زیتون را ممنوع اعلام کرده بود زیرا آن را «عجیب» می‌دانست. کراوفورد، شروع به طبقه‌بندی ۳۰۰۰ خواب دیده شده به گروه‌های مختلف کرد. رؤیاهای زیادی وجود داشتند که در آن‌ها، مادران افراد با ترامپ قرار می‌گذاشتند؛ تقریباً ۲۰ مورد از این‌گونه خواب‌ها، گردآوری شده بود. یک گروه دیگر از رؤیاهای ترامپ را به صورت یک موجود فضایی نشان می‌دادند که از خارج از کره زمین آمده است. یکسری رؤیا در مورد تنزل شناختی، رؤیاهای رفتار جنون‌آمیز، رؤیاهای عجزولابه ترامپ برای ورود به واحد

مراقبت بیماران روانی بود. یک گروه بزرگ دیگر شامل رؤیای نفوذ ترامپ به مکان‌های خصوصی بود؛ «او وارد خانه من شد بدون این‌که در بزند و در توالت من خرابکاری بزرگی کرد، بدون این‌که حتی سیفون را بکشد». ترامپ در سازمان‌ها هم دیده می‌شد. تعداد زیادی از افراد نیز خواب‌هایی را گزارش کردند که در آن، آن‌ها به مدرسه رفته‌اند و دونالد ترامپ، معلمشان است. کراوفورد ۵۰ مورد را در این زمینه گزارش می‌کند. یک گروه دیگر از افراد، ترامپ را فردی می‌دیدند که آن‌ها را مورد سوءاستفاده جنسی قرار داده است. کراوفورد می‌گوید: «افرادی که توسط معلمان، والدین یا مسئولان خودشان، مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته‌اند، به واسطه این واقعیت تحریک می‌شوند».

رؤیاهای دیگری وجود داشت که ترامپ را به عنوان یک پیامبر می‌دید؛ «ترامپ از سوی یک پلکان طلایی از بهشت به زمین آمد تا جهان را نجات دهد». دیگران، ترامپ را به صورت یک تندیس مسیحی یا ضد مسیحی می‌دیدند. ۷۵ خواب جداگانه در مورد جنگ‌های هسته‌ای وجود داشت که در حدود زمان مأموریت دیپلماتیک ترامپ در کره شمالی بود. البته قدرت وی می‌توانست مذهبی نیز باشد؛ «من خواب دیده‌ام که پیشوای مذهبی من از منبر می‌گوید، اگر به دونالد ترامپ رأی ندهی، نمی‌توانی انجیل را بفهمی، البته این پیشوای روحانی، خود ترامپ بود!» هیچ محدودیتی در مورد مکان‌هایی که ترامپ می‌توانست به آن‌ها وارد شود، وجود نداشت. پیرمردی، کابوس ترامپ و معاونش، مایک پنس را دیده بود که وارد بازی فیلادلفیا ایگلز شده بودند تا قوانین آن را به مشاجره بکشند. همچنین، خواب‌ها در مورد شرایطی که آمریکا هم اکنون در حال قرار دارد، دیده شده بود؛ «خواب دیدم ما در جعبه‌ای قرار داشتیم و خانواده ترامپ نیز در آنجا بودند. شرایط اضطراری پدید آمده و آژیر خطر زده شد، همه ما دویدیم تا به مکان امنی برویم. مثل همیشه، خانواده ترامپ از یک آسانسور جداگانه استفاده کردند تا آن‌ها را به مکان امنی می‌برد و بقیه ما در ترس و هراس بودیم.» آلوده سازی

ناخودآگاه آمریکایی‌ها توسط ترامپ، از مدت‌ها پیش آغاز شده است. منشأ این رؤیاهای کاملاً مشخص است، ترامپ به شکل بی‌سابقه‌ای بر دیدگاه عمومی غالب است. چیزی که کراوفورد آن را با عنوان «همکاری ناخودآگاه» می‌خواند، بسیار چالش برانگیز است. رؤیای خود کراوفورد نیز در همین دسته قرار می‌گیرد؛ «اولین پدیده‌ای که من، آن را درک کردم، این بود، افرادی که رؤیاهای مثبت در مورد ترامپ داشتند یا دلسوز بودند یا احساس ترحم می‌کردند و می‌خواستند، به شکلی به او کمک کنند یا به او جذب شوند. آن‌ها این خواب‌ها را کاملاً استرس‌زا توصیف کردند.» یک نفر که نمی‌توانست درخت

کریسمس خود را برپا کند، خواب دید که ترامپ آمده است تا به او کمک کند. البته برخی از این افراد، پس از بیداری، این خواب‌های مثبت را به عنوان تهییج تازه‌ای توصیف کردند، درحالی‌که برخی آن را کابوس می‌دانستند. برای کراوفورد، این رؤیاهای یک عملکرد اجتماعی هستند که در «قلمروی سوم رؤیاهای» نیز منعکس شده است؛ ذهن ناخودآگاهی که تلاش می‌کند فرد را به هم‌ترازی با دنیای بیهوده و مطرود وادار کند. این رؤیاهای همکاری ناخودآگاه و دلسوزی محرمانه، نشان‌دهنده عمق قدرت اجتماعی ترامپ هستند. او به برخی از آمریکایی‌ها می‌گویند که برخی از تاریک‌ترین رؤیاهای آن‌ها،



کاملاً نرمال و قابل قبول هستند. کراوفورد می‌گوید که اگر فکر می‌کنید رؤیایها، منشأ چیزی هستند که در ما سرکوب شده‌اند، چیزی که در مورد آن مشکل اخلاقی داریم یا چیزی که آن را باور نمی‌کنیم، آن چیز در ناخودآگاه شما رسوخ کرده است. چیزهایی که ما با آن‌ها در کشمکش هستیم، در خواب و رؤیای ما به سراغمان می‌آیند. کارل جونگ آن را «سایه» می‌نامد. این، یکی از منابع بنیادین جدابیت ترامپ است. او به آمریکایی‌ها می‌گوید که همه چیز خوب است؛ آن‌ها هر چه که می‌خواهند، بخواهند یا هر طور که می‌خواهند، رفتار کنند. در «قلمروی سوم رؤیایها»، نفوذ به هوشیاری می‌تواند خود را به صورت ترس از جلوه‌گری نشان دهد. برخی از آلمان‌ها خواب می‌دیدند که دیوار خانه‌شان، ناپدید شده یا اینکه اثاثیه آن‌ها به مسئولان تبدیل شده است. یکی از وحشتناک‌ترین رؤیایها مربوط به مردی بود که تنها می‌توانست در مورد مستطیل‌ها، مثلث‌ها و هشت ضلعی‌ها خواب ببیند. در مجموعه رؤیایهای گردآوری شده توسط کراوفورد، چیزی با عنوان «نامرئی بودن» وجود نداشت بلکه دقیقاً بالعکس آن بود. او می‌گفت: «همه فریاد می‌زنند». رؤیایهای مربوط به ترامپ، رؤیایهای استعداد نیستند بلکه با جانب‌داری در ارتباط هستند. کراوفورد می‌گوید: «هستیم؛ این چیزی است که رؤیایها

نشان می‌دهند. ما خودمان را به دو نیم کرده‌ایم و این کار را به صورت جمعی و اجتماعی انجام داده‌ایم». قطبیت گرایی آمریکایی به سطح ناخودآگاه رفته است. رؤیایها می‌توانند چیزی را ثبت کنند که ما دریافت کرده‌ایم اما پردازش نکرده‌ایم. برادرت می‌گوید: «این خواب‌ها به‌طور مستقل، نشان‌دهنده تمایلات خودآگاه افراد مربوطه بوده‌اند. تصویرسازی در خواب، می‌تواند به توصیف ساختار واقعیتهای کمک کند که در شرف تبدیل شدن به یک کابوس است». کراوفورد نیز نوع مشابهی از پیش‌بینی را در رؤیایهای مربوط به ترامپ یافته است. او یک زیرمجموعه کلی از رؤیایها را در مورد جدایی خانواده‌ها پیش از انفجار بحران مرزی طبقه‌بندی کرده است. من با روان‌شناسان بالینی صحبت کردم که در مرز کار می‌کردند و کابوس‌های کودکان و والدینی را که از یکدیگر جدا شده بودند، ثبت می‌کردند. یک کودک هشت‌ساله به آن‌ها می‌گوید: «من خواب دیدم که پدرم و مادرم و سگ‌ها در خواب بودند. نگاه کن، نگاه کن، یک گرگ. گرگی در بین من و خانواده‌ام قرار دارد. فردی گرگ را ترساند تا برود و سپس، من توانستم با خانواده‌ام باشم. من خیلی ترسیدم، چون عمه‌ام را دیدم؛ آن‌ها پدر من را کشتند. من همه چیز را دیدم. من خیلی ترسیده بودم.» همین کودک، خواب دیگری را هم توصیف می‌کند:

«ICE دائماً در خواب من بود و ما را نگاه می‌کرد، آن‌ها حیوانی داشتند که همه حیوانات دیگر را می‌خورد. دو چوب وجود داشت و پرندگان روی یکی از آن‌ها نشسته بودند و یک کبوتر و یک گربه نیز وجود داشت که آن‌ها نمی‌خواستند چیزی را بخورند. من زنده ماندم. ICE در خوابم و در زندگی واقعی، سگ داشت اما آن‌ها به من حمله نمی‌کردند.» از حالا به بعد، هنگامی که در مورد رؤیای آمریکایی حرف می‌زنیم، باید در مورد این‌گونه رؤیایها صحبت کنیم. رؤیای افراد حاضر در گشت مرزی نیز به همین صورت بود. بسیاری از پاسبان‌های مرزی در شرایط دشواری قرار دارند؛ کار بیش‌ازحد، بدون حمایت و گاهی اوقات بدون حقوق. فردی در دفتر مرکزی کار می‌کرد که مهاجران در آنجا نگه داشته می‌شدند (جایی که بوی تعفن می‌داد)، کار بسیار سختی داشت و باید پرونده‌های بسیاری را مدیریت می‌کرد. شیفت او بین ساعت ۱۰ شب تا ۸ صبح بود. او می‌گفت: «وقتی به خانه می‌آیم، فوراً به حمام می‌روم؛ وارد رختخواب می‌شوم و سریع هم خواب می‌بینم. همه چیز به صورت رؤیایهای مرکز نگهداری مهاجران، به سراغ من می‌آید.» خط مرزی بین رؤیا و بیداری، محو و مخدوش است. او کابوس‌های زیادی دارد. یکی از مأموران پیشین گمرک و محافظت مرزی، درباره رؤیایی به من گفت که او در خانه با

فوران افراد آزرده است؛ سال‌های ریاست جمهوری وی، یک تخیل فروریخته هستند. حقایق سیاسی که برای نسل‌ها کاملاً روشن بودند، در تعامل با وی، از میان رفته‌اند. چیزهایی که ما فکر می‌کردیم می‌دانیم، به وهم‌های جمعی تبدیل شده‌اند؛ رؤیاهایی که نمی‌دانستیم رؤیا هستند، زیرا همه آن‌ها را در ذهن خود داشتیم.

منبع

این مطلب ۲۹ مارس سال ۲۰۲۰ با عنوان «آمریکایی‌ها تنها در خواب و رؤیا، ترامپ را درک می‌کنند»، در مجله «نیویورکر» به آدرس ذیل به چاپ رسیده است:  
<https://www.newyorker.com/culture/cultural-comment/its-in-dreams-that-americans-are-making-sense-of-trump>

از جنبه‌های روانی ما هستند که کنترل نشده‌اند.» اندیشکده‌ها و روزنامه‌نگاران سیاسی، همچنان به بررسی جزئیات رقابت‌های سیاسی براین‌که آیا سیاست جنبه منطقی دارد یا خیر، می‌پردازند. آن‌ها مباحث را به‌گونه‌ای آنالیز می‌کنند که گویی برای مردم، شناخته شده هستند. آن‌ها به شهرهای کوچک غربی می‌روند و با افراد محلی به‌گونه‌ای صحبت می‌کنند که گویا آن‌ها یک مکانیزم مخفی برای روح آمریکایی برافراشته‌اند. آن‌ها به شکلی نتیجه انتخابات را می‌خوانند که گویی این نتیجه در انتخابات گذشته، صحیح بوده است. با این حال، واقعیت سیاسی دیگر متناظر با زبان توصیف آن نیست. ترامپ،

مادرش بود که ترامپ، از پله‌ها پایین آمد و به جلوی در رفت. او به موهای رئیس‌جمهور از پشت نگاه می‌کرد و فکر می‌کرد که می‌تواند او را به قتل برساند. او به یاد نمی‌آورد که آیا در خواب تفنگ داشته یا خیر؛ و پیش از آنکه اتفاقی بیفتد، از خواب بیدار شده بود. این خواب تا مدت‌ها در ذهن وی تداعی می‌شد. سیاست‌های آمریکا، دیگر از منطق سازمانی یا قانونی پیروی نمی‌کنند. آن‌ها از منطق رؤیا و خواب پیروی می‌کنند و نگرش‌های منطقی، به پوچی منجر می‌شوند. کراوفورد می‌گوید: «من باور نمی‌کنم که این رؤیاها در مورد دونالد ترامپ هستند. من فکر می‌کنم که همه آن‌ها در مورد ما هستند. آن‌ها در مورد برخی

